

کتاب دانیال - شماره بیست و نه

ضیافت بلشصر و ساعت نبوتی: پرده برداری از قانون یکشنبه، سقوط بابل و بحران نهایی

Jeff Pippenger

2023-12-24

ضیافت بلشصر «ساعت» قانون یکشنبه را مشخص می‌کند، اما تأکید را بر داوری شاخ جمهوری خواه می‌گذارد. مجسمه طلایی نبوکدنصر در باب سوم دانیال، همان تاریخ را در زمینه قوم وفادار خدا قرار می‌دهد؛ قومی که سپس چون پرچمی برافراشته می‌شود. باب ششم دانیال به همان خط سیر می‌پردازد، اما نقش شاخ پروتستان را بررسی می‌کند. بلشصر نماینده «دولت» است، و او هزار نفر از «اشراف» خود را فراخواند.

بلشاصر پادشاه برای هزار نفر از بزرگان خود ضیافتی بزرگ برپا کرد و در برابر آن هزار تن شراب نوشید. بلشاصر، هنگامی که شراب را می‌چشید، فرمان داد ظروف زرین و سیمین را بیاورند که پدرش نبوکدنصر از هیکل واقع در اورشلیم بیرون آورده بود، تا پادشاه و سرورانش و زنانش و سراریانش از آنها بنوشند. آنگاه ظروف زرینی را که از هیکل خانه خدا که در اورشلیم بود بیرون آورده شده بود آوردند؛ و پادشاه و سرورانش و زنانش و سراریانش از آنها نوشیدند. آنان شراب نوشیدند و خدایان طلا و نقره و مفرغ و آهن و چوب و سنگ را ستودند. در همان ساعت انگشتان دست مردی پدیدار گشت و در برابر چراغدان، بر گچ دیوار کاخ پادشاه نوشت؛ و پادشاه آن بخش از دست را که می‌نوشت دید. دانیال ۵:۱-۵.

عدد «ده» نمایانگر اژدهاست و «صد» و «هزار» صرفاً بزرگ‌نمایی همان نمادند. در فصل ششم، صد و بیست تن قانون فریبکارانه را پیش می‌برند و «صد و بیست» نمادی برای کاهنان است. با در نظر گرفتن «خط بر خط»، ضیافت بلشاصر داوری بر کشورداری فاسد و داوری بر نظام کلیسایی فاسد را نشان می‌دهد. بلشاصر با شراب بابل مست شد و سپس تصمیم گرفت که ظروف مقدس معبد خدا در اورشلیم را بی‌حرمت کند.

پیامبر می‌گوید: «دیدم فرشته‌ای دیگر از آسمان فرود آمد که قدرتی عظیم داشت؛ و زمین از جلال او روشن شد. و با صدایی نیرومند فریاد برآورد و گفت: بابل عظیم سقوط کرده است، سقوط کرده است، و مسکن شیاطین شده است» (مکاشفه ۱: ۱۸، ۲). این همان پیامی است که فرشته دوم داد. بابل سقوط کرده است، «زیرا همه امت‌ها را از شراب خشم زناکاری خود نوشانید» (مکاشفه ۱۴: ۸). آن شراب چیست؟ آموزه‌های کاذب او. او به جای سبت فرمان چهارم، سبت دروغینی را به جهان داده است، و همان دروغی را که شیطان نخست در عدن به حوا گفت تکرار کرده است—جاودانگی طبیعی نفس. او خطاهای مشابه بسیاری را به‌طور گسترده رواج داده است، «احکام انسان‌ها را به‌جای تعالیم تعلیم می‌دهند» (متی ۹: ۱۵). پیام‌های برگزیده، کتاب ۲، ۱۱۸.

شرابی که بلشصر می‌نوشید، سبت بت‌پرستانه دستگاہ پاپی بود؛ زیرا آن بزم نمایانگر «ساعت» نبوی قانون یکشنبه بود. ظرف‌های مقدس معبدی که او به تالار بزم آورد، نه تنها نمایانگر عصیان بر ضد خدا بودند، بلکه ظرف‌های مقدس نماینده قوم خدا نیز هستند، زیرا امر تحت‌اللفظی نماینده امر روحانی است و انسان‌ها ظرف‌اند.

با این همه، بنیاد خدا استوار می‌ماند و این مَهر را دارد: «خداوند کسانی را که از آن او هستند می‌شناسد.» و نیز: «هر که نام مسیح را بر زبان می‌آورد، از شرارت دوری گزیند.» اما در خانه‌ای

بزرگ، نه تنها ظروف زرین و سیمین است، بلکه چوبین و گلی نیز هست؛ و برخی برای عزت، و برخی برای خفت. پس اگر کسی خود را از اینها پاک سازد، ظرفی برای عزت خواهد بود، تقدیس شده، شایسته استفاده سرور، و مهیا برای هر کار نیک. دوم تیموتائوس ۲:۱۹-۲۱.

در بحبوحه حرمت‌شکنی نسبت به قوم خدا از طریق پرستش اجباری روز یکشنبه، دست‌خط آتشین نابودی بلشصر را اعلام می‌کند.

در همان ساعت، انگشتان دست انسانی پدیدار شدند و در برابر چراغدان بر گچ دیوار کاخ پادشاه نوشتند؛ و پادشاه آن بخش از دست را که می‌نوشت، دید. آنگاه چهره پادشاه دگرگون شد و اندیشه‌های او را مضطرب ساخت، چندان که بندهای کمرش سست شد و زانوهایش به هم می‌خورد. پادشاه با صدای بلند ندا داد تا منجمان، کلدانیان و غیب‌گویان را بیاورند. و پادشاه گفت و به حکیمان بابل گفت: هر که این نوشته را بخواند و تعبیر آن را به من بنمایاند، به جامه ارغوانی پوشانده خواهد شد و زنجیری از طلا بر گردنش نهاده خواهد شد، و سومین فرمانروا در مملکت خواهد بود. دانیال ۵:۵-۷.

از نظر تاریخی این بخش چنین فهمیده شده است که پدر بلشاصر تخت سیاسی را به او واگذار کرده بود، و به همین دلیل بهترین مقامی که پدرش می‌توانست در قبال تعبیر آن نوشته پیشنهاد کند، مقام سومین فرمانروا بود. در آستانه قانون یکشنبه در ایالات متحده، رهبری سیاسی در موضعی تابع رهبری دینی خواهد بود؛ رهبری‌ای که در تلاش برای معرفی شکل تازه‌ای از پرستش خواهد بود. تصویر وحش نمایانگر ترکیب کلیسا و دولت است، به طوری که کلیسا کنترل این رابطه را در دست دارد، و در زمان قانون یکشنبه، بلشاصر پادشاه سیاسی بود و از این‌رو نماد دولت به‌شمار می‌رفت، اما او فقط نفر دوم پس از اقتدار دینی پدرش بود. بهترین چیزی که می‌توانست به دانیال پیشنهاد کند، مقام سوم بود.

وقتی کلیسای نخستین با دور شدن از سادگی انجیل و پذیرفتن آیین‌ها و رسوم بت‌پرستانه فاسد شد، روح و قدرت خدا را از دست داد؛ و برای کنترل وجدان‌های مردم، به حمایت قدرت دنیوی متوسل شد. نتیجه، نظام پاپی بود: کلیسایی که قدرت دولت را در اختیار گرفت و آن را برای پیشبرد مقاصد خود، به‌ویژه برای مجازات «بدعت»، به کار برد. برای اینکه ایالات متحده تمثال وحش را بسازد، قدرت دینی باید حکومت مدنی را چنان در اختیار گیرد که اقتدار دولت نیز از سوی کلیسا برای تحقق مقاصد خودش به کار گرفته شود...

تحمیل نگاه‌داشتن یکشنبه از سوی کلیساهای پروتستان، تحمیل پرستش پاپیت — یعنی پرستش وحش — است. کسانی که با درک مفاد فرمان چهارم، به جای سبت حقیقی، سبت کاذب را نگاه می‌دارند، بدین‌سان به همان قدرتی که تنها به دستور او چنین فرمانی صادر می‌شود ادای احترام می‌کنند. اما در خود عمل تحمیل یک وظیفه دینی به وسیله قدرت دنیوی، کلیساهای خود تصویری برای وحش پدید می‌آورند؛ از این‌رو تحمیل نگاه‌داشتن یکشنبه در ایالات متحده به معنای تحمیل پرستش وحش و تصویر او خواهد بود. مناقشه بزرگ، ۴۴۳، ۴۴۸، ۴۴۹.

در بحران است که شخصیت آشکار می‌شود، و پیام مرموز روی دیوار در تجربه بلشصر بحرانی پدید آورد و پایان پادشاهی او را رقم زد، و بدین‌سان نماد پایان پادشاهی وحش زمین بود. بلشصر همان شب درگذشت، که نمایانگر قانون یکشنبه است؛ زمانی که ایالات متحده به‌عنوان ششمین پادشاهی پیشگویی‌های کتاب مقدس در هنگام قانون یکشنبه سرنگون می‌شود، اما ایالات متحده بلافاصله به پادشاه پیشتاز ده پادشاه تبدیل می‌شود. ده پادشاه هفتمین پادشاهی پیشگویی‌های کتاب مقدس هستند، و آنان فوراً موافقت می‌کنند پادشاهی هفتم خود را به وحش بسپارند.

زیرا خدا در دل‌های ایشان نهاده است که اراده او را به انجام رسانند و متفق شوند و سلطنت خود را به وحش بسپارند، تا سخنان خدا به انجام رسد. مکاشفه ۱۷:۱۷.

تحركات نهايي پرشتاب‌اند، و گذار از پادشاهی ششم به هفتم، و سپس به هشتم، سريع است، زیرا جهان در آن هنگام در بحرانی عظیم قرار دارد. سرنگونی وحش زمین، بلشصر را به هراس می‌اندازد، و او به‌عنوان پادشاه نخست آن ده پادشاه، نمایانگر هراسی است که همه پادشاهان زمین در هنگام سرنگونی ایالات متحده تجربه خواهند کرد. در مکاشفه باب یازدهم، «ساعتی» که دست‌نوشته بر دیوار پدیدار می‌شود، همان «ساعت» زلزله عظیم است. در همان لحظه سه نماز اسلام مشخص می‌شوند، و این اسلام است که در روزهای آخر پادشاهان را به هراس می‌اندازد.

زیرا اینک، پادشاهان گرد آمدند؛ با هم از آن گذشتند. آن را دیدند و شگفت‌زده شدند؛ آشفته گشتند و شتابان گریختند. در آنجا ترس بر آنان مستولی شد، و دردی چون درد زن در زایمان. تو کشتی‌های ترشیش را با باد شرقی درهم می‌شکنی. چنان‌که شنیده‌ایم، همان‌گونه نیز در شهر خداوند لشکرها، در شهر خدای ما دیده‌ایم: خدا آن را تا ابد استوار خواهد ساخت. سلاه. مزمو 48:4-8.

اشراف یا پادشاهان در ضیافت بلشاصر گرد آمده بودند، شراب بابل می‌نوشیدند و ظروف مقدس مقدسگاه خدا را در دست می‌گرفتند و بدان‌ها می‌نگریستند که ناگهان ترس بر آنان چیره شد؛ چنان‌که در ترس بلشاصر هنگام پدیدار شدن نوشته بر دیوار به تصویر کشیده شده است. ترس بلشاصر آغازی شد بر ترسی فزاینده که به صورت زنی در درد زایمان نمایانده می‌شود، و «ساعتی» باب یازدهم مکاشفه به باب دوازدهم می‌انجامد، جایی که نشانه به صورت زنی که در آستانه زایمان است تصویر می‌شود. نخستین درد زایمان همان نوشته بر دیوار تالار ضیافت است. این ترس از «باد شرقی» اسلام برمی‌خیزد که «کشتی‌های ترشیش را درهم می‌شکند».

در تالار ضیافت بلشاصر، «هزار امیر» شراب بابل را می‌نوشند که نمایانگر تحمیل یکشنبه است. در همان زمان، ارکستر بخت‌نصر آغاز به نواختن می‌کند و بلشاصر دستور می‌دهد ظرف‌های مقدس معبد را بیاورند. فاحشه صور آواز سر می‌دهد، و اسرائیل مرتد گرد بت زرین بخت‌نصر به رقص درمی‌آید. اما این بزم را «باد شرقی» بر هم می‌زند؛ همان «وای سوم» که به سرعت فرا می‌رسد و «کرنای هفتم» است. هنگامی که اسلام بساط بزم را بر هم می‌زند، «ملت‌ها به خشم می‌آیند». آنان به خشم می‌آیند، زیرا «کشتی‌های ترشیش»، که نماد ساختار اقتصادی کره زمین‌اند، آنگاه در میانه دریا غرق می‌شوند.

ترشیش به سبب فراوانی هرگونه ثروت، بازرگان تو بود؛ با نقره و آهن و قلع و سرب، در بازارهای داد و ستد می‌کردند. یاوان و توبال و ماشک، بازرگانان تو بودند؛ جان‌های آدمیان و ظروف برنجی را در بازاری معامله می‌کردند. اهل خاندان توگارمه با اسبان و سواران و قاطرها در بازارهای داد و ستد می‌کردند. اهل ددان بازرگانان تو بودند؛ جزایر بسیار تجارت دست تو بودند؛ برایت به هدیه شاخ‌های عاج و آبنوس آوردند. آرام به سبب کثرت کالاهای ساخته تو بازرگان تو بود؛ در بازارهای با زمرد و ارغوان و کارهای سوزن‌دوزی و کتان نازک و مرجان و عقیق معامله می‌کردند. یهودا و سرزمین اسرائیل بازرگانان تو بودند؛ در بازاری گندم مینیت و پتنگ و عسل و روغن و بلسان را معامله می‌کردند. دمشق به سبب کثرت کالاهای ساخته تو، برای کثرت همه ثروت‌ها، بازرگان تو بود؛ در شراب حلبون و پشم سفید. دان نیز و یاوان که رفت و آمد می‌کردند، در بازارهای داد و ستد می‌کردند؛ آهن صیقلی و قصبه و نی خوشبو در بازاری بود. ددان بازرگان تو بود در جامه‌های نفیس برای ارابه‌ها. عربستان و همه امیران قیدار با تو در بره‌ها و قوچ‌ها و بزها داد و ستد می‌کردند؛ در این‌ها بازرگانان تو بودند. بازرگانان سبا و رعمه بازرگانان تو بودند؛ در بازارهای با بهترین همه ادویه‌ها و با همه سنگ‌های گران‌بها و طلا داد و ستد

می‌کردند. حران و کته و عدن، بازرگانان سبا، آشور و کلمد، بازرگانان تو بودند. اینان بازرگانان تو بودند در هرگونه چیز: در جامه‌های آبی و کارهای سوزن‌دوزی، و در صندوق‌هایی از پوشاک نفیس، بسته به ریسمان‌ها و ساخته از چوب سرو، در میان کالاهایت. کشتی‌های ترشیش در بازاریت برایت سرود می‌خواندند؛ و تو در میان دریاها سرشار شدی و بسیار باشکوه گردیدی. پاروزنانت تو را به آب‌های عظیم برده‌اند؛ باد شرقی تو را در میان دریاها درهم شکسته است. ثروت‌هایت و بازارهایت، کالاهایت، دریانوردانت و سکان‌دارانت، درزگیرانت و متصدیان کالایت، و همه مردان جنگی‌ات که در تو هستند، و تمامی جماعتت که در میانند، در روز هلاکت در میان دریاها فرو خواهند افتاد. حزقیال ۲۷:۱۲-۲۶.

«کشتی‌های ترشیش» نماد ساختار اقتصادی سیاره زمین هستند و به وسیله «باد شرقی» در میانه دریا غرق می‌شوند. حزقیال به ما خبر می‌دهد که این در «روز نابودی تو» رخ می‌دهد و موضوع باب بیست‌وهفتم حزقیال مرثیه‌ای برای تایروس است.

کلام خداوند بار دیگر به من رسید و گفت: اکنون، ای پسر انسان، برای صور مرثیه‌ای بسرای؛ و به صور بگو: ای تو که در مدخل دریا واقع شده‌ای و بازرگان مردمان جزایر بسیار هستی، چنین می‌گوید خداوند خدا: ای صور، تو گفته‌ای: من کمال زیبایی‌ام. حزقیال ۱: ۲۷-۳

موضوع مرثیه، روز خرابی تایروس است. روز خرابی تایروس همان قانون یکشنبه است، زیرا تایروس نماد پاپیت است که داوری آن در «ساعت» آغاز می‌شود که صدای دوم مکاشفه هجده شروع به فراخواندن مردم از بابل می‌کند.

و من صدای دیگری را از آسمان شنیدم که می‌گفت: ای قوم من، از او بیرون آید تا در گناهانش شریک نشوید و از بلایایش نصیبی نیابید. زیرا گناهانش تا به آسمان رسیده است و خدا بی‌عدالتی‌هایش را به یاد آورده است. آن‌گونه که او به شما جزا داد، به او جزا دهید؛ و بر حسب اعمالش دو برابر، دو برابر به او بازگردانید؛ در همان جامی که پر کرده است، برایش دو برابر بریزید. هر قدر که خود را جلال داد و در ناز و نعمت زیست، همان قدر عذاب و اندوه به او بدهید؛ زیرا در دل خود می‌گوید: چون ملکه‌ای نشسته‌ام، بیوه نیستم و اندوه نخواهم دید. از این رو بلایای او در یک روز خواهد آمد: مرگ و ماتم و قحطی؛ و او به‌کلی با آتش سوخته خواهد شد، زیرا خداوند خدا که او را داوری می‌کند نیرومند است. و پادشاهان زمین که با او زنا کرده و در ناز و نعمت با او زیسته‌اند، چون دود سوختن او را ببینند، برایش نوحه می‌کنند و بر او زاری می‌کنند، از ترس عذابش از دور ایستاده، می‌گویند: وای، وای بر آن شهر بزرگ، بابل عظیم! زیرا در یک ساعت حکم تو فرا رسیده است. و تاجران زمین بر او می‌گیرند و ماتم می‌گیرند، زیرا دیگر کسی کالای ایشان را نمی‌خرد. مکاشفه ۴: ۱۸-۱۱

واژه‌ای که در کتاب دانیال پنج بار به صورت «ساعت» به کار رفته، همواره نمایانگر نوعی داوری است. نوع داوری را سیاق قطعه‌ای که این واژه در آن به کار رفته تعیین می‌کند. در باب چهارم دانیال، واژه «ساعت» نخست برای اعلام فرارسیدن داوری به کار می‌رود؛ چه داوری تحقیقی که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آغاز شد، و چه داوری اجرایی که با قانون یکشنبه آغاز می‌شود. در هر دو حالت، داوری تحقیقی یا اجرایی تدریجی است. داوری اجرایی پاپیت در هنگام قانون یکشنبه در ایالات متحده آغاز می‌شود. آن «ساعت» آغاز داوری اجرایی پاپیت را مشخص می‌کند، و آن «ساعت»، «ساعت» زلزله عظیم مکاشفه باب یازدهم است؛ هنگامی که دو شاهد، که شدرک و میشک و عبدنغو نماینده آنان‌اند، به سان راییتی که چون سپاه نیرومند حزقیال برافراشته می‌شود، به درون کوره افکنده می‌شوند. آن «ساعت»، زمانی است که دست‌خط بر دیوار بلشصر پدیدار می‌شود.

«کشتی‌های ترشیش»، که نمایانگر ساختار خطوط تأمین اقتصادی سیاره زمین هستند، در آن زمان در میانه دریاها غرق می‌شوند و این امر بازرگانان و پادشاهان زمین را به هراس می‌اندازد، همان‌گونه که

در بلشصر به تصویر کشیده شده است.

در کتاب مکاشفه، باب یازدهم، «ساعت» زمانی است که «وای سوم» اسلام به سرعت فرا می‌رسد، و کرنای هفتم نواخته می‌شود، و ملت‌ها خشمگین می‌شوند. هر سه آن نمادها به اسلام به عنوان ابزار مشیت الهی که خداوند برای کشتن بلشصر در همان «ساعت» به کار می‌گیرد اشاره دارند. بلشصر به دست دشمنانی کشته شد که پنهانی از دروازه‌هایی که سهل‌انگاران باز گذاشته شده بودند وارد پادشاهی‌اش شدند، درست همان‌گونه که دیوار مرزی میان مکزیک و ایالات متحده سهل‌انگاران باز گذاشته شده است، با نزدیک شدن «ساعت» «زلزله بزرگ».

التیام زخم مرگبار نهاد پاپی در شش آیه پایانی باب یازدهم کتاب دانیال بیان شده است. در آن آیات سه مانع شناسایی می‌شوند که با التیام زخم مرگبار نهاد پاپی بر آنها غلبه می‌شود. پادشاه شمال همواره در مسیر دستیابی به قدرت برتر سه مانع را در می‌نوردد، و همیشه به این ترتیب: نخست دشمنش، سپس متحدش و سرانجام قربانی‌اش. نخستین مانعی که فتح شد پادشاه جنوب بود که نماینده اتحاد جماهیر شوروی، آخرین دشمن روم، بود و در سال ۱۹۸۹ از میان رفت. مانع دوم «سرزمین جلال» است، که متحد روم است و به نیابت از روم اتحاد شوروی را شکست داد، یعنی ایالات متحده؛ که در «ساعتی» که اکنون در حال بررسی آن هستیم، مغلوب می‌شود. پس از آن، مانع سوم که به صورت مصر نمایانده شده، نمایانگر زمانی است که نهاد پاپی زمام قربانی خود، سازمان ملل متحد، را در دست می‌گیرد.

در سال ۱۹۸۹، هنگامی که مَهر آن آیات برداشته شد و پس از آن دانش درباره آن آیات افزایش یافت، معلوم شد که روم بت‌پرست، روم پاپی و سپس روم مدرن (که در شش آیه پایانی باب یازدهم دانیال به‌عنوان پادشاه شمال نمایانده شده است)، هر یک لازم بود که پیش از آن‌که به‌عنوان یک پادشاهی تثبیت شوند، بر سه مانع جغرافیایی غلبه کنند. برای روم بت‌پرست، آن سه مانع به‌صورت سه جهت نشان داده شده بودند.

و از یکی از آنها شاخی کوچک بیرون آمد که به‌غایت بزرگ شد، به سوی جنوب، و به سوی شرق، و به سوی سرزمین دلپسند. دانیال ۸:۹.

برای رم پاپی، آن‌ها سه شاخ بودند که باید برکنده می‌شدند.

به شاخ‌ها نظر کردم، و اینک، در میان آنها شاخی کوچک دیگر سر برآورد؛ و در برابر آن، سه تا از شاخ‌های نخستین از ریشه برکنده شدند؛ و اینک، در آن شاخ چشمانی مانند چشمان انسان بودند و دهانی که سخنان بزرگ می‌گفت. دانیال ۸:۷.

برای روم مدرن (پادشاه شمال) که در شش آیه آخر باب یازدهم دانیال نمایانده شده است، سه مانع عبارت بودند از پادشاه جنوب، سرزمین جلال و مصر. همانند روم بت‌پرست و روم پاپی، این سه مانع نمایانگر موانع جغرافیایی بودند. روم مدرن، که در شش آیه پایانی باب یازدهم دانیال به‌عنوان پادشاه شمال نمایانده شده است، می‌بایست بر سه "دیوار" غلبه کند، و همراه با دیوار نخست، یک "دیوار" فلسفی وجود داشت که هم‌زمان با برداشته شدن یک دیوار فیزیکی برداشته شد. در سال 1989، هنگامی که پادشاه شمال اتحاد جماهیر شوروی (پادشاه جنوب) را سرنگون کرد، "دیوار" فلسفی "پرده آهنین" برداشته شد، همان‌گونه که دیوار برلین برچیده شد.

در «ساعت» داوری بلشصر، هنگامی که نوشته بر دیوار نقش بسته است و دشمنانش پنهانی از دروازه‌های بی‌نگهبان وارد می‌شوند، «دیوار» فلسفی جدایی دین از دولت برداشته می‌شود، در حالی که اسلام «وای سوم» پنهانی از «دیوار» بی‌مراقبت مرز جنوبی سرزمین باشکوه وارد شده است.

وقتی «مصر»، که نماینده سازمان ملل متحد است، تسخیر شود و «دیوار فلسفی حاکمیت ملی» از میان برداشته شود، در حالی که هر ملت وادار می‌شود حکومت واحد جهانی را که توسط فاحشه صورت هدایت می‌شود بپذیرد. در آن زمان فروپاشی مالی رخ خواهد داد که حکومت نظامی و استبداد روزهای واپسین را پدید می‌آورد. چه بسا چیزی در خیابانی به نام «وال استریت» رخ دهد.

همان اموالی که اکنون بسیار کم در راه خدا سرمایه‌گذاری می‌شود و به‌طور خودخواهانه نزد خود نگه داشته می‌شود، به‌زودی همراه با همه بت‌ها به موش‌های کور و خفاش‌ها افکنده خواهد شد. پول به‌زودی، وقتی حقیقت صحنه‌های ابدی بر حواس انسان آشکار شود، به‌طور بسیار ناگهانی از ارزش خواهد افتاد. وزارت رفاه، ۲۶۶.

ما در مقاله بعدی به مطالعه خود درباره بلشاصر ادامه می‌دهیم.

"امروز نیز، همچون روزگار ایلیا، خط تمایز میان قوم خدا که احکام او را نگاه می‌دارند و پرستندگان خدایان دروغین، به‌روشنی ترسیم شده است. «تا به کی میان دو عقیده مردد خواهید ماند؟» ایلیا فریاد زد؛ «اگر خداوند خداست، از او پیروی کنید؛ و اگر بعل، از او پیروی کنید.» اول پادشاهان ۱۸:۲۱. و پیام امروز این است: «سقوط کرد، سقوط کرد بابل عظیم... ای قوم من، از او بیرون آید تا در گناهانش شریک نشوید و از بلاهایش نصیبی نبرید. زیرا گناهانش تا آسمان رسیده است و خدا شرارت‌هایش را به یاد آورده است.» مکاشفه ۱۸:۲، ۴، ۵."

زمان چندان دور نیست که آزمون به سراغ هر جان خواهد آمد. رعایت سبت دروغین بر ما تحمیل خواهد شد. نبرد میان فرامین خدا و فرامین انسان‌ها خواهد بود. کسانی که گام‌به‌گام در برابر مطالبات دنیوی تسلیم شده و خود را با رسوم دنیوی همسو کرده‌اند، آنگاه به‌جای آن‌که خود را در معرض ریشخند، اهانت، تهدید به زندان و مرگ قرار دهند، در برابر قدرت‌های حاکم سر فرود خواهند آورد. در آن زمان طلا از ناخالصی جدا خواهد شد. دینداری حقیقی به‌روشنی از ظاهر و زرق‌وبرق آن متمایز خواهد شد. بسیاری از ستارگانی که درخشش‌شان را تحسین کرده‌ایم، آنگاه در تاریکی خاموش خواهند شد. آنانی که خود را به زیورهای مقدس‌گاه آراسته‌اند، اما به پارسایی مسیح ملیس نیستند، آنگاه در شرمساری برهنگی خویش آشکار خواهند شد. انبیا و پادشاهان، 187، 188.